



چهارشنبه 21 فروردین 1398-4 شعبان 1440-10 آوریل 2019

تأسیس "بنیاد مسکن انقلاب اسلامی" به فرمان" امام خمینی(ره) (1358ش)

تأسیس "بنیاد مسکن انقلاب اسلامی" به فرمان" امام خمینی(ره) (1358ش)

قبل از پیروزی انقلاب، با تبعیض؛های فراوانی که در جامعه وجود داشت قشر عظیمی از مستضعفان از داشتن خانه محروم بودند. با پیروزی انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، در جهت احقاق حقوق محرومان، طی حکمی، اولین نهاد سازندگی برای رفع مشکل مسکن را تأسیس کردند. امام در این فرمان، حساب 100 را در تمامی شعب بانک ملی افتتاح فرمودند و پایه و اساس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی را بنا نهادند. حضرت امام در پیام خود فرمودند: "هیچ کس در هیچ گوشه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد. بر دولت اسلامی است که برای این مسأله مهم چاره؛های بیاندیشد و بر همه مردم است که در این مورد همکاری کنند". بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بنا به اقتضای زمان، در اول انقلاب شروع به توزیع زمین در بین محرومان کرد. بعد از شهریور سال 1372 و تشکیل شورای عالی اداری، کار اصلی بنیاد که در آغاز در شهرها تمرکز یافته بود به روستاها منتقل شد و کار بازسازی مناطق آسیب دیده از حوادث به این بنیاد محول گردید.

" " (1276)

حکیم میرزا ابوالحسن بن محمد جلوه، عارف، فیلسوف و متکلم شیعی ایرانی معروف به میرزای جلوه در حدود سال 1202ش (1238ق) در احمدآباد گجرات هند متولد گردید. در 7 سالگی به اتفاق خانواده به زواره اصفهان، زادگاه اجدادش بازگشت و در 14 سالگی پدرش را از دست داد. چون پدران و نیاکان میرزا ابوالحسن، اهل علم و فضل بودند، او نیز تحت تأثیر فضای موروثی خانواده واقع شد و تصمیم گرفت کسب دانش را تا پای جان دنبال کند. پس در زمره طالبان علم درآمد و با وجود سختی؛های زندگی، مقدمات دانش؛های؛های گوناگون دینی آن زمان مانند: زبان و ادبیات عرب، منطق، کلام، تفسیر، حدیث و فلسفه را فرا گرفت و به ویژه در حکمت الهی و طبیعی به مقامی در خور توجه رسید. ایشان در این میان با شاعران بزرگ اصفهان هم دوستی داشت و به محافل ادبی رفت و آمد می؛کرد، چندان که ذوق شاعری در او پدید آمد و با پژوهش و کار علمی و هنری بسیاری که در این زمینه کرد و تمرین؛های؛هایی که بدان دست یازید، سخنوری چیره دست و توانا گردید و "جلوه" تخلص نمود. میرزا ابوالحسن جلوه پس از سالیانی توقف در اصفهان و کسب مدارج والای علمی، در 35 سالگی به تهران عزیمت کرد و در مدرسه دارالشفاي تهران اقامت گزید. وی به مدت، چهل سال در این مدرسه به تدریس و تحقیق و تألیف روزگار گذراند و معیشت خود را از املاک اجدادی تأمین می؛کرد. مجلس درس او میعادگاه دانش؛های؛پژوهان و بزرگان و دانشمندانی بود که از هر کران برای بهره؛های؛گیری از دریای دانش او بدانجا می؛رفتافتند. ناصرالدین شاه قاجار چندین بار به دیدار او رفت و در حجره محقر او نشست و درباره مسائل گوناگون علمی و فلسفی به گفتگو با او پرداخت و مشکلات خود را در میان نهاد و پاسخ شایان شنید. پادشاه او را بسی گرامی می؛داشت اما میرزای جلوه هیچ بهره مادی از نزدیکی به دربار و شاه برنگرفت و خواستار هیچ نعمتی غیر از خدای منعم فیاض نگشت. میرزای جلوه از بزرگترین دانشمندان فلسفه و حکمت به شمار می؛آمد. وی آثار متعددی همچون حواشی بر اسفار ملاصدرا و شفاي ابن؛سینا دارد و همچنین رساله؛های؛ در وجود و اقسام آن، ترکیب و احکام آن و نیز بیان استجابات دعا و دیوان اشعار نغز و زیبایی از ایشان به جای مانده است. این حکیم بزرگ در طول بیش از ده؛های؛ سال تدریس، شخصیت؛های؛ فرهیخته؛های؛ در این مجموعه؛ها؛ها؛، سیدحسین بادکوبه؛های؛، میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا مهدی آشتیانی، شیخ عبدالنبي نوری، میرزا علی اکبر حکیم یزدی، میرزا محمدعلی شاه؛های؛، آبادی، آخوند ملامحمد کاشانی و جهانگیرخان قشقایی و... تربیت نمود. میرزا ابوالحسن جلوه سرانجام در 21 فروردین 1276ش برابر با 6 ذي؛های؛، قعدة 1314ق در 74 سالگی درود حیات گفت و در جوار مقبره ابن؛های؛ بابویه در شهر ری به خاک سپرده شد.

" " (1378)

امیرسپهبد علي صیاد شیرازی در سال 1323ش در شهرستان درگز در استان خراسان به دنیا آمد و پس از تحصیلات دبیرستان، وارد دانشگاه افسری شد. وی در سال 1346 موفق به اخذ درجه کارشناسی از دانشگاه افسری گردید و پس از طی دوره تخصصی توپخانه، به عنوان استاد در مرکز آموزش توپخانه اصفهان مشغول به تدریس شد. او از مخالفان رژیم شاه بود تا جایی که توسط عوامل آن رژیم دستگیر و زندانی شد و در آستانه پیروزی انقلاب، در بهمن 57 آزاد گردید. وی از این زمان، خود را در اختیار انقلاب اسلامی قرار داد و در صحنه؛های؛ سرنوشت؛های؛ ساز پیکار با دشمنان انقلاب، شرکتی فعالانه داشت، شهید صیاد شیرازی در بحبوحه غائله ضدانقلاب در کردستان در سال 1358، به فرماندهی عملیات شمال غرب کشور برگزیده شد و به همراه شهید چمران و دیگر رزمندگان اسلام، نقش مهمی در پاکسازی منطقه از لوث عناصر ضد انقلاب ایفا کرد. این امیر ارتش اسلام، پس از خلع بني؛های؛، صدر، برای پایان دادن به ناهماهنگی ارتش و سپاه، قرارگاه مشترک عملیاتی سپاه و ارتش را راه؛های؛، اندازی کرد و به عنوان فرمانده ارتش در همانجا مشغول فعالیت گردید. ایشان در 9 مهر 1360 به پیشنهاد شورای عالی دفاع و با حکم حضرت امام خمینی(ره)، به فرماندهی نیروی زمینی ارتش منصوب شد که در سلسله عملیات پیروزمند تامن؛های؛، لائمه، طریق القدس، فتح المبین، بیت؛های؛، المقدس، رمضان، مسلم بن عقیل، مطلع الفجر، محرم، والفجر 1 2 3، خیبر و بدر فرماندهی نیروهای ارتش را بر عهده داشت. شهید صیاد شیرازی نقش حساسی در آزادسازی خرمشهر ایفا نمود و حضور او در هشت سال دفاع مقدس، پیروزی؛های؛ متعددی را برای کشور اسلامی به همراه داشت. وی در تیرماه 1365 به فرمان امام به عضویت شورای عالی دفاع منصوب شد و در اردیبهشت 1366، به درجه سرتیپی ارتقاء یافت. امیر شجاع اسلام، در سال 1368 به سمت معاونت بازرسی ستاد ارتش، در شهریور 1372 به سمت جانشین رییس ستاد کل ارتش و در فروردین 1378، از طرف مقام معظم رهبری به درجه سرلشکری نائل آمد که این درجه با افتخار شهادت به سپهبدی ارتقاء یافت. سرانجام امیر سپهبد صیاد شیرازی، جانشین ستاد کل نیروهای مسلح در بامداد بیست و یکم فروردین 1378 به دست عوامل گروهک منافقین در تهران به شهادت رسید و در تشییعی باشکوه، با حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی و انبوه مردم در بهشت؛های؛، زهرا به خاک سپرده شد.

کنستانتین امپراتور روم دهم آوریل سال 336 میلادی به بهانه شرکت در مراسم سی امین سال حکومت خود، آتش بس 2 هفته ای با ارتش ایران را که 22 روز طول کشیده بود به صورت نامحدود تمدید کرد و بعدا از ادامه جنگ چشم پوشید. جنگ دو امپراتوری سال بعد از سر گرفته شد، 26 سال متناوبا طول کشید و بدون اخذ نتیجه پایان یافت. آتش بس 19 مارس به مناسبت فرارسیدن

نوروز ایرانیان آغاز شده بود. فرماندهی ارتش ایران یک روز مانده به نوروز به احترام ایام عید ملی، 2 هفته آتش بس داده بود و کنستانتین که واحدهایش به دلیل تلفات سنگین نیاز به تجدید سازمان داشتند با این آتش بس موافقت کرده بود که پس از آن، تا کنستانتین زنده بود محاربه تجدید نشد. کنستانتین 22 ماه می 337 در قسطنطنیه درگذشت و جنگ های شاپور دوم، (دوالاکتاف) با کنستانتین دوم جانشین او از همین سال آغاز شد. دو ابر قدرت وقت تا سال 336 کوشش داشتند که پیمان صلح منعقد در سال 297 (میان نرسی شاه ایران و دیوکلسیان (دیوکلتیان) امپراتور روم) رعایت شود و در آن مدت جز 2-3 برخورد محدود ازجمله زد و خورد های سال 326 جنگ چشمگیری صورت نگرفته بود.

(26)()

حضرت ابوالفضل العباس(ع) فرزند برومند امام علي(ع) از مادري مشهور به ام‏البینین متولد شد. حضرت ابوالفضل(ع) از محضر پدری چون امیرالمؤمنین و برادرانی همچون امام حسن(ع) و امام حسین(ع)، فیوضات علمی، معنوی و اخلاقی برگرفت و در کمالات گوناگون به جایگاه رفیعی دست یافت. حضرتش پس از شهادت پدر از همراهی و یاری برادرانش فروگذار نکرد و سرانجام به همراه امام و پیشوای خود، حضرت امام حسین(ع) در صحرای کربلا به شهادت رسید.

چهارم شعبان سالروز ولادت با سعادت حضرت ابوالفضل(ع) در جمهوری اسلامی ایران روز جانباز نامیده شده است.

" " (440)

ابوسعید فضل بن ابی الخیر از اکابر و مشایخ عرفا و صوفی نامی قرن پنجم هجری در اواسط قرن چهارم هجری به دنیا آمد. وی از کودکی ریاضات سخت کشید و به خدمت جمعی از بزرگان صوفیه رسید. ابوسعید ابوالخیر پس از تحمل رنج فراوان در این راه، از دست بعضی از بزرگان، خرقه‏ی خلافت گرفت و در خانقاه خود در میهنه و نیشابور به ارشاد سالکان و وعظ و هدایت مردم پرداخت. وی از اولین کسانی است که نظریه‏ی وحدت وجود را در خراسان پراکند و قول و سماع را در میان خانقاهیان متداول ساخت و از این حیث در تاریخ تصوف، مقامی خاص دارد. ابوسعید در هشتاد و سه سالگی در میهنه وفات یافت. اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید، شرح مفصلی از احوال اوست که توسط محمدبن منور یکی از نوادگان ابوسعید تالیف شده است.

" " (905)

اسماعیل، ملقب به ابوالمظفر بهادرخان حسینی، و معروف به شاه اسماعیل یکم مؤسس سلسله صفوی به عنوان اولین سلسه تماماً ایرانی، حاکم بر سراسر ایران پس از اسلام است. وی با رسمی کردن مذهب شیعه و با زنده کردن هویت ایرانی مرزهای ایران را به حدود مرزهای ساسانیان رسانید و در واقع ایران را به عنوان یک واحد سیاسی مستقل پس از اسلام پس از حدود ۸۰۰ سال، تأسیس و تثبیت کرد. از وی اشعاری به ترکی آذربایجانی و به فارسی با تخلص «ختایی» برجای مانده است. وی در حالی که چهارده سال بیشتر نداشت به کمک مریدانی که سخت به او معتقد بودند در سال هشتصد و هشتاد و هشت شاه ایران شد و سلسله خویش را به نام جدش صفی الدین «صفویه» نامید

(1645)

با قدرت‏گیری دولت عثمانی و جمهوری ونیز در شمال شرقی ایتالیا، دریای آدریاتیک محل تلاقی و رقابت این دو قدرت گردید و جنگ‏هایی نیز میان آنها شعله‏ور شد، تا جایی که در یک مقطع زمانی در نیمه اول قرن شانزدهم "ونیز" اطاعت از عثمانی را پذیرا گردید. در نیمه قرن هفدهم با توجه به اوضاع آرام داخلی و شکل‏گیری سپاه جدید، سلطان عثمانی به مسائل اقتصادی پرداخت و ضمن رسیدگی به وضع پولی و نظام مالیات جدید به آنها سامان بخشید و حقوق سپاهیان و ناوگان دریایی نیز در نظر گرفته شد. در این زمان ونیزی‏ها بر جزیره کرت مسلط شده و ضمن بهره‏گیری از صلح با دولت عثمانی، در منطقه دریای اژه به کار تجاری مشغول بودند. اما دولت عثمانی کوشید تا از نفوذ آنها در منطقه شرق بکاهد بنابراین سلطان ابراهیم خلیفه عثمانی با آماده‏سازی سپاه و ناوگان خویش بر ضد ونیزی‏ها اعلام جنگ نمود و با دستگیری ونیزی‏ها در مناطق در دسترس، به مصادره اموال و املاک آنها پرداخت. در همین راستا، در 10 آوریل 1645م لشکریان عثمانی به جزیره کرت حمله بردند و موفق به تسلط بر بخشی از آن شدند. این جنگ‏ها حدود 25 سال ادامه داشت تا این که عثمانی‏ها موفق به تصرف کامل جزیره کرت شدند. در این مدت ونیز از کمک‏های فرانسه و امپراتوری آلمان و سایر دول بهره می‏گرفت که البته بدون نتیجه بود. با حاکمیت عثمانی‏ها بر جزیره کرت و بیرون راندن ونیزی‏ها از این جزیره در سال 1670م شرق دریای مدیترانه به طور کامل در اختیار دولت عثمانی قرار گرفت.

" " (1931)

جبران خلیل جبران، نویسنده، شاعر، نقاش و یکی از ارکان صنعت ادبی عربی در سال 1883م در لبنان به دنیا آمد. او پس از طی تحصیلات خود، مسافرت‏هایی به اروپا کرد و انگلیسی را به خوبی فرا گرفت. جبران خلیل در سال‏های اقامت در پاریس، نزد یکی از نقاشان معروف عصر به فراگیری این هنر پرداخت. سپس به نیویورک رفت و در آنجا به کار در زمینه نگارش و نقاشی روی آورد، تا جایی که در این دو هنر، چیره‏دست گردید. جبران خلیل در طی سال‏های بعد، نویسندگی را حرفه اصلی خود قرار داد. ضمن این که روح صوفیانه شرقی، نفوذ شدید و عمیقی در آثار ادبی و هنری او داشت. جبران خلیل جبران سبکی نو در ادبیات ایجاد کرد و به عنوان یکی از گردانندگان نهضت روشن‏فکری و ادبیات جدید عرب به شمار می‏رفت. وی هم‏چنین از بنیان‏گذاران شعر آزاد به شمار می‏آید و نثرش، از تازگی و روانی بسیار برخوردار می‏باشد. موضوع بیشتر آثار او، اعم از نظم و نثر، رومانتیسمی و توجه شدید به تخیلات و طبیعت است. نوشته‏های جبران خلیل جبران، نمادی از گسترده‌گی خیال و نوپردازی ادبی یک نویسنده محسوب می‏شود و او در ذهن بارور خود، ابداعات فراوانی نمود. اگر نگاهی گذرا به زندگی جبران خلیل جبران ببندازیم، در اوایل شکوفایی او، وی را چنین می‏یابیم که بر ضعف و تقلیدها و رسوم انسان می‏شورد؛ آزادی مطلق در طبیعت را می‏ستاید و با روح خارق‏العاده انسان که با قدرت و نیرو نمایان می‏گردد اوج می‏گیرد. آن‏گاه به عالم روحانی خود، فرو رفته و به مردی صوفی منش مبدل می‏شود. جبران خلیل جبران، در کتابش، معلم اخلاق است که به عطوفت و مهربانی و محبت دعوت می‏نماید. اگرچه او در راهنمایی‏های خود، خالی از اعتماد به نفس نبوده و در انتظار رسیدن به والاترین درجات است، لکن ژرف‏نگری و تفکر وی بسیار ستودنی است. جبران خلیل جبران زیباترین آثارش را به زبان انگلیسی نگاشت که مجنون، پیغمبر، به سویی فرزند انسان و خدایان زمین از آن جمله‏اند. او هم‏چنین آثاری به عربی دارد که نامه‏ی در موسیقی، ارواح سرکش، بال‏های شکسته و توفان‏ها بسیار مشهورند. علاوه بر آن، جبران خلیل دارای دیوان شعری است که در آن درباره محبت، دین، عدالت، حق و آزادی و سعادت اشعاری را سروده است و جبران خلیل جبران سرانجام در دهم آوریل 1931م در 48 سالگی در نیویورک درگذشت و پیکرش را در زادگاه اصلی‏اش، لبنان به خاک سپردند.